

НАРОДНИ ТИПНИ КАЗИЈЕ

Београд, 1862.

Walachei, Moldau, Bessarabien, die Krim, Taman und Asow (in der Mitte des vorigen Jahrhunderts); ein topographisch-ethnographischer Beitrag zur Kenntniss der damaligen Türkei, (von einem türkischen Beamten um 1155/1742 geschrieben) [Flügel, MSS Wien, vol. 2 (1865), 435-436], aus dem Türkischen übertragen von M. O. v. Schlechta-Wssehrd. **Sitzungsberichte** der Akademie der Wissenschaften, Wien, Philos.-hist. Klasse, 40 (1862), 550-593.

Bucak (coğ)  
21041

12 OCAK 1994

۱۰۶۷/ق/۱۶۵۷م تاتارهای بجاق در ۲۰۰ روستا استقرار داشتند و تحت اداره حاکمی با عنوان «بالی آغاسی» بودند که از جانب خان تاتارهای کریمه گمارده می‌شد (همانجا؛ اولیا چلبی، ۱۱۴/۵). در فاصله سالهای ۱۱۱۱-۱۱۱۳/ق/۱۶۹۹-۱۷۰۱م تاتارهای نوغای منطقه بجاق که ۶ هزار خانوار بودند، از اطاعت خان کریمه سرباز زدند و خواستار تابعیت دولت عثمانی شدند (EI<sup>2</sup>, I/1287). چون نفوذ روسیه در این مناطق فزونی گرفت و سپاهیان روس در اوکراین پیشروی کردند، خان نشین کریمه نیز با ناآرامیهایی مواجه شد. در نتیجه تاتارهای نوغای خواستار مداخله دولت عثمانی شدند، ولی باب عالی با این درخواست موافقت نکرد (نک: راسم، ۹۳۴/۲-۹۳۸).

در ۱۱۸۳/ق/۱۷۶۹م سپاهیان روس پیشرویهایی به سوی سرزمین کریمه داشتند. در ۱۱۸۴/ق/۱۷۷۰م بجاق موقتاً به تصرف دولت روسیه درآمد (همو، ۹۶۰/۲-۹۶۱، EI<sup>2</sup>، همانجا). در ۱۱۸۵/ق/۱۷۷۱م نیروهای روسیه و عثمانی دست از جنگ کشیدند که در نتیجه آن خان کریمه ناگزیر به ترک والاشی و بغداد شد که بجاق بخشی از آن بود (راسم، ۹۶۵/۲). در همین سال قرارداد صلحی میان طرفین منعقد گردید که به عهدنامه «قینارجه» شهرت دارد. طبق ماده سوم عهدنامه دو طرف موافقت کردند که استقلال کریمه، بجاق و بعضی از نواحی دیگر را به رسمیت بشناسند (همو، ۹۶۸/۲، ۹۷۱). در ۱۲۰۵/ق/۱۷۹۱م بجاق ضمیمه روسیه شد (BSE<sup>3</sup>, IV/96) و سرانجام طبق معاهده بخارست در ۱۶ جمادی الاول ۱۲۲۷/ق/۲۸ مه ۱۸۱۲م دولت عثمانی بجاق را رسماً به روسیه واگذار کرد («دائرة المعارف»، VI/342)؛ در نتیجه تاتارهای این منطقه به دوبروجا و بلغارستان کوچ کردند.

مآخذ: اولیا چلبی، سیاحتنامه، استانبول، ۱۳۱۵ش؛ راسم، احمد، عثمانی تاریخ، استانبول، ۱۳۲۶-۱۳۲۸ق؛ کاشغری، محمود، دیوان لغات الترك، ترجمه محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ نیز:

Brockhaus, *Entsiklopedicheskiĭ slovar'*, St. Petersburg, 1891; BSE<sup>3</sup>; EI<sup>2</sup>; Minorsky, V., introd. *Hudud al - 'Ālam*, London, 1937; *Türkiye diyanet vakfı İslâm ansiklopedisi*, Istanbul, 1992.

نادیژدا خارچینکو

**بجانه**، شهرکی واقع در جنوب اسپانیا و شمال بندر المریه. رود ریوآندراکه از کوههای سیرانوادا سرچشمه می‌گیرد، از این شهر عبور کرده، در شهر بندری المریه به دریا می‌ریزد (EI<sup>2</sup>, I/864).

بجانه در زمان محمد بن عبدالرحمان (حک ۲۳۸-۲۷۳/ق/۸۵۲-۸۸۶م) ساخته شد (سال، ۱۷-۱۹) و به گفته ابن حوقل (۱۱۰/۱) در میان شهرهای مشهور و کهن اندلس مانند جیان و طلیطله که در تصرف عربها بود، تنها این شهر در زمان استیلای مسلمانان بر اندلس به وجود آمد. المریه که تا بجانه ۱۰ کم فاصله دارد، به منظور نگهداری و حفاظت بجانه از حمله بیگانگان بنیاد نهاده شد (سال، ۱۹).

امرای بنی‌امیه برای حراست از نوار دریایی و کناره‌های جنوب

امروزه بنیه در مسیر بزرگ راهی قرار دارد که دمشق را به رودخانه اردن و دریای سرخ متصل می‌سازد و از این رو، از موقعیت ممتاز تجاری برخوردار است (السيف، همانجا).

مآخذ: ابن اثیر، الكامل؛ ابن خردادبه، عیبالله، المسالك والممالک، به کوشش محمد مخزوم، بیروت، ۱۹۸۸م؛ ابن قلانسی، حمزه، تاریخ دمشق، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۸۳م؛ ابن کثیر، البداية؛ ابوشقرا، یوسف خطار، الحركات فی لبنان الی عهد المتصرفیه، به کوشش عارف ابوشقرا، بیروت، مطبعة الاتحاد؛ ابوعبید بکری، عبدالله، المسالك والممالک، به کوشش وان لون و افره، بیروت، ۱۹۹۲م؛ همو، معجم ما استمعجم، به کوشش مصطفی سقا، بیروت، ۱۹۸۳م؛ ادیسی، محمد، نزهة المشتاق، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة؛ اصطخری، ابراهیم، مسالك الممالک، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۲۷م؛ بلاذری، احمد، فتوح البلدان، به کوشش عبدالله انیس طباع، بیروت، ۱۴۰۷/ق/۱۹۸۷م؛ بلغمی، محمد، تاریخ، به کوشش محمدتقی بهار و محمد پروین گنابادی، تهران، ۱۳۴۱ش؛ جونز، ا. ا. م.، مدن بلاد الشام حین کانت ولایة رومانیة، ترجمه احسان عباس، عمان، دارالشروق؛ طبری، تاریخ، علی، جواد، المنفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، ۱۹۶۹م؛ سعودی، علی، التنبیه و الاشراف، لیدن، ۱۸۹۳م؛ مقدسی، محمد، احسن التقاسیم، لیدن، ۱۹۰۶م؛ همدانی، حسن، صفة جزيرة العرب، به کوشش محمد بن علی اکوع، بیروت، ۱۹۸۳م؛ یاقوت، بلدان؛ یعقوبی، احمد، «البلدان»، همراه الاعلاق النبیسیة ابن رسته، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱م؛ نیز:

EI<sup>2</sup>; Elisséeff, N., *Nūr ad-Din*, Damascus, 1967; Marmadji, *Textes géographiques arabes sur la Palestine*, Paris, 1951.

عزت ملاابراهیمی

**بجینه**، نک: جمیل.

**بجاق**، سرزمینی در جنوب بسارابی در کشور رومانی. بجاق و صورت کهن آن بُجقاق، واژه‌ای ترکی و به معنای کرانه، گوشه و زاویه است (کاشغری، ۳۰۶؛ مینورسکی، 467). به دشت شن‌زار اطراف رود، و به امیرنشینها نیز بجاق می‌گفتند که واژه‌ای کومانی (قیچاقی) است («دائرة المعارف...»، VI/341).

این سرزمین از ۶۳۸/ق/۱۲۴۱م تابع دولت اردوی زرین شد (EI<sup>2</sup>, I/1286). در فاصله سده‌های ۹-۱۳/ق/۱۹-۱۵م اقوام ترک در منطقه بجاق مستقر شدند و بر راههای فرهنگی و سوق الجیشی که به شبه جزیره کریمه منتهی می‌شد، تسلط یافتند. از سده ۱۰/ق/۱۶م نوغایها در بجاق سکنی گزیدند و به اردوهای منقسم شدند. گروههایی از این اردوها اغلب به سرزمینهای همجوار حمله می‌کردند. در نواحی پادولیا و اوکراین این نیروها به بجاق و یا تاتارهای بجاق شهرت داشتند که به معنای تاتارهای منطقه کناری بوده‌است (بروکهاوس، 848-849/IV<sup>a</sup>). بعدها به بجاق و دشت نوغای نام بسارابی داده شد که بخش جنوبی بسارابی کنونی است (همان، 604/III<sup>a</sup>).

در ۷۴۶/ق/۱۳۴۵م بجاق زیرسلطه دولت والاشی (والاخیا) قرار گرفت و سپس در ۸۰۲/ق/۱۴۰۰م به تصرف فرمانروای بغداد درآمد. در ۹۴۵/ق/۱۵۳۸م دولت عثمانی در زمان سلطان سلیمان قانونی با کمک تاتارهای کریمه، بر سراسر بجاق دست یافت و این ناحیه جزو سنجاقت آق کرمان شد. خان کریمه نیز که در لشکرکشی سلطان سلیمان شرکت داشت، قبایل نوغای را در بجاق اسکان داد (EI<sup>2</sup>، همانجا). در

**021041**

**BUCAK**

---

1 ALPER BAŞER, Bucak Tatarları (1550-1700), Afyon Kocatepe Üniversitesi, Doktora, 2010